



پیام نامه شورای بازپس گیری ایران

شماره ۲۹ - هجدهم فروردین ماه ۱۴۰۳، خورشیدی، ۱۶ آوریل ۲۰۲۴ ترسای
تلفنهای گروه نویسندگان و نگارش: ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶ و ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴
ایمیل: bazpasgiri1401@gmail.com



هم میهنان عزیزم،

فرا رسیدن نوروز، این یادگار ماندگار نیاکان ما را به شما شادباش می‌گویم. نوروز، نمادی از پیوستگی فرهنگی و تاریخی ما ایرانیان است؛ یادآور اینکه از پی سرمای جان‌سوز و تاریکی زمستان، نور بار دیگر، جان جهان را گرما و روشنایی می‌بخشد.

سالی که گذشت، سالی بود پر فراز و نشیب. شاید در آغاز سال، سرکوب جنایتکارانه رژیم، و به بار ننشستن فداکاری‌های جاویدنامان خیزش مهسا، برخی از شما را دلسرد کرد. اما با خردمندی و اراده‌ای ملی، پرچم مبارزه را پرافراشته نگه داشتید، و در پایان سال، در سیرک انتخابات، شکستی بزرگ را به جمهوری اسلامی و سرکرده‌اش تحمیل کردید، و گامی مهم در راه آزادی میهن برداشتید.

سالی که پیش روست، سال عملگرایی و کوشش و فداکاری دوچندان است؛ سال بالا زدن آستین‌های همت و به پا کردن چکمه‌های استقامت؛ سال عبور از آنها که بخشی از مشکلند و به هم پیوستن آنها که به دنبال حل مشکلند؛ سال فراتر رفتن از امید و رسیدن به باور؛ سال در انداختن طرحی نو.

ما چهل و پنج سال است که در شب بلند زمستانی خود به سر می‌بریم. اما امروز حتی پاسداران ضحاک نیز شمیم نور را حس می‌کنند، و طنین گام‌های رهایی ایران، قلب‌های تیره‌شان را هراسناک ساخته است.

پیام نوروز برای ما روشن است: شب می‌رود و روز می‌آید. تاریکی می‌گذرد و نور، پردیس ایران را دگرباره روشن خواهد کرد و گرما خواهد بخشید.

نوروزتان پیروز!
پاینده ایران

شهبانوی عزیز، به امید جشن گرفتن نوروز سال بعد در ایران!



پاینده ایران

مصاحبه میشل تُبمن با رضا شاه دوم

از رضاشاه دوم پرسیده میشود:

شما خود را در هیئت دیگری به غیر از یک پادشاه مشروطه خواه نمی بینید؟

پاسخ پادشاه رضا پهلوی: صادقانه بگویم: نه! جمهوری خواهان به من پیشنهاد کردند که از پادشاهی چشم بپوشم و همزمان اطمینان دادند که از من به عنوان نامزد آینده ریاست جمهوری ایران دموکراتیک پشتیبانی می کنند. پاسخ من به آنان این بود و هست که من حق ندارم با چنین اقدامی، گزینه پادشاهی را پیش از آن که مردم ایران درباره اش تصمیم گرفته باشند، نفی کنم.

آیا می توان نظام پادشاهی را به دلیل اشتباهات برخی پادشاهان از ریشه محکوم کرد؟
ج-اگر پاسخ مثبت باشد باید نظام جمهوری را نیز به دلیل انحراف ها و خطاهای برخی روسای جمهوری محکوم کرد. امروز نظام های پادشاهی به مراتب دموکرات تر از برخی جمهوری ها وجود دارد. ترجیحی که من برای نظام پادشاهی قائل هستم ریشه در تحلیلی تاریخی و نهادی دارد. این ترجیح در عین حال با طبع و روحیه من سازگار است. یک پادشاه دموکرات می تواند نقشی سازنده در تقویت و تثبیت همبستگی ملی ایفا کند.

در نتیجه:

سخنان ارزنده رضا شاه دوم جوابی در جهت رد برخی مشروطه خواهانه و جمهوری خواهانی است که دسته اول مسئولیت ایشان را رهبری براندازی تا پای صندوق رای متصورند دسته دوم ریاست جمهوری را برای ایشان می خواهند، در حالیکه ایشان پادشاه قانونی ایرانند، امید این جواب سبب عدم تکرار خواسته آنها گردد.

آنگونه که رضا شاه دوم میدانند نقش بزرگ ایشان ایفای رسالت تاریخی و پاسداری از نظم شاهنشاهی و دفاع از همه موجودیت وهستی ایرانیان و همبستگی ملی می باشد نه موارد غیر عملی دیگری.

پاینده ایران!

جاوید شاه

زهره صفاریپور

عضو شورای نویسندگان پیام نامه شورای باز پس گیری

پان ایرانیست

نرم نرمک میاید بهار خوش به حال روزگار

در آغاز سال نو و نوروز همیشه پیروز، شادباشهای دوگانه خود را به پیشگاه ملت بزرگ و همیشه سرفراز ایران تقدیم میکنم.

شاد باش نخست برای خجسته روز آغاز بهاران است که چون خود بن مایه فرهنگ ایرانی است، همه سرفرازان ایرانی با هر کیش و آئینی و در هر جای گیتی و فلات بزرگ ایران خود را با غرور و افتخار و سربلندی بخشی جدا ناشدنی از این فرهنگ کهن میدانند و باتمام ذرات وجودشان آنرا گرامی میدارند. ملت بزرگ ایران همیشه سرفراز بوده و خواهد بود. اگر هر از چند گاهی ندای ضدایرانی از دهان انیرانیهایی نا چیز سر میزند بزودی به باد هوا پیوسته و نابود شده اند

نوروز دیر پای ایرانی که از فرهنگ کهن و ماندگار هزاره ها برخاسته است برای هزاره های دیگر ماندگار و پایدار خواهد بود. حکومت غاصب آخوندی مخلوق غرب تمام نیرنگهای آخوندی و استادان غربی خود را بکار برده تا این روز خجسته و ملی ایرانیان را به نابودی کشاند، بی خبر از آنکه چون نوروز خود نمودار عینی فرهنگ ایرانی است تا ایرانی و ایرانی تباران در پهنه گیتی با غرور ستایش انگیز و سربلندی میدرخشند، مانند هستی و گردش کائنات پایدار و ماندگار خواهد ماند.

شادباش دوم برای هشیاری و خردمندی یکایک ایرانیان پرافتخار در تاریخ ایران زمین است که با شرکت نکردن در سیرک انتصابات رژیم جعلی و غاصب، نبوغ و رشد سیاسی سرفرازان خود را در دیدجهانیان گذاشتند و نشان دادند که فریب اهریمن داخلی و خارجی رانمیخورند و رژیم اهریمنی و ضد ایرانی آخوندی دست پرورده دنیای غرب را به بی آبرویی کشاندند و ته مانده ناچیز آبروی رژیم و سیدعلی تازی تبار را شجاعانه، خردمندانه، استادانه و بیرحماتانه از میان بردند. کار بزرگ ستایش انگیز ملت ایران رفراندمی بود برای وجود یا نفی رژیم آخوندی که بازده آن از پیش آشکار بود.

ملت هوشمند ایران به جای شرکت در این سیرک، شکوهمندانه شعار «**رضاشاه روح شاد**»

را سردادند. این شعار از بطن و قعر جامعه و کف خاک ایران زمین به گونه ای خود جوش سر بر آورده و نمایانگر شناسایی و سپاسگزاری از خدمات و عشق به ایران و میهن پرستی رضاشاه بزرگ و دست پرورده اش شاهنشاه آریا مهر است. شعار «**رضاشاه روح شاد**» که آرام آرام جنبه تقدس به خود گرفته بزرگترین سلاح و ارتشی است که رژیم آخوندی را سرنگون کرده و حکومتی مردم سالار به رهبری اعلیحضرت رضاشاه دوم در ایران برقرار خواهد کرد.

از سوی کنگره همبستگی و جبهه هماهنگ مبرزان ایران

اسداله نصر اصفهانی

مسئولیت انتخاب راه از " دو حرکت "

سعید حمزوی

با دو حرکت محسوس آشنا هستیم یکی نشان میدهد حق طلبی را که در درون اصول و قوانینی دارد و بر پایه مدنیت پیدایش کرده است و به صورت عرف مورد قبول قرار گرفته است و دوم حرکتی که در تضاد و در تمام سطوح بغیر از قانون شکنی اثر دیگری از آن دیده نمیشود بحث در خود قانون است و در حرکت دوم فقط انگیزه مخالفت و سرپیچی بطور معمول هدف است نکته ظریف قضیه در اینجا است که حکومت از چه نوع و آیا از انتخاب در فضای آزاد و آرام به وجود آمده است در حرکت اول بهترین نمونه مشروطیت ایران است که به قوت قانونی، تاریخی و حقوقی باقی مانده و ادامه دارد و مردم آگاه و بیدار ایران حرکت آنرا مطالبه میکنند و نمونه دوم جمهوری اسلامی است اول مشروع نیست و دیگر اعتباری میان مردم ندارد. در چنین شرایط افراد صالح و بشر دوست قدم پیش گذاشته و مردم را که صاحبان حق از دست رفته اند با راهنمایی هدایت و از ظلم و تعدی تا جای ممکن راه جلوگیری را نشان میدهند؛

انقلاب زن زندگی آزادی حقایق را زنده کرد و جهان را بیدار نمود. و برای اولین بار در جهان بیش از صد هزار پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران را دیدند و انصافا در میادین و خیابانها با ایرانیان همراهی و همکاری نمودند و از این جهت با سپاس در دل تاریخ ایران جای گرفتند. موج صدای رضا شاه روح شاد و شاهنشاه روح شاد و ای شاه ایران بر کرد به ایران نشانه قدر شناسی نسل جوان ایران است که قبل از سال ۵۷ را به آینده کشور متصل و فقط این عمل را به درستی و با صداقت تأیید میکند. و مردم ایران کوچکترین اعتنائی به دهان کجی و اهانت سازمان ملل در انتخاب نامی ایرانی وابسته به رژیم غیر قابل قبول در راس کمیسیون حقوق بشر را نکردند و نه پذیرفتند.

و با فشاری و امید آنست بتوانند ترازوی عدالت تساوی حقوق حکومت مشروطه پادشاهی را محکمتر از گذشته به دیوار دیوان عدالت بیاویزند و رخت از پاکی و درستی بر تن آن بپوشانند. و نه اینبار و نه در آینده تحت تاثیر تبلیغات قرار گیرند.

درسی از تاریخ

توانا بود هر که دانا بود به دانش دل پیر برنا بود.

پاینده ایران جاوید شاه

نامه های رسیده از جوانان از کانادا و ایران

مقایسه پیام نوروزی رضاشاه دوم و سیدعلی خامنه‌ای خلیفه خودخوانده شیعیان

از فریبرز تیگران از کانادا

مهمترین و آشکارترین وجه سخنرانی میان این دو تن، توجه به مردم و دردهای مردم بود. رضاشاه دوم در سخنرانی خود توجه و تاکید خود را بر آزادی مردم ایران و گذر از این شرایط اسفناک گذاشته بود.

اما خامنه‌ای نه تنها اشاره‌ای به جنایات خود نکرد، بلکه مردم به معنای ملت ایران و سیل انبوه مخالفان خویش را حذف کرد و مانند همیشه مردم را به معنای باورمندان به انقلاب اسلامی به کار برد.

شاهزاده رضا شاه دوم چنین شروع کرد: "نوروز یادگار ماندگارِ نیاکانِ ما، سال جدید سالِ فراتر رفتن از امید و رسیدن به باور؛ سال در انداختن طرحی نو است. سالی که پیش روست، سال عملگرایی و کوشش و فداکاری دوجندان است؛ سال بالا زدن آستین‌های همت و به پا کردن چکمه‌های استقامت؛ سال عبور از آنها که بخشی از مشکلند و به هم پیوستن آنها که به دنبال حل مشکلند".

اما سید علی خامنه‌ای چنین شروع کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

یا مقلب القلوب و الأبصار، یا مدبر الیل و النهار، یا مَحَوِّلَ الحَوَلِ و الأحوال، حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ. تبریک عرض میکنم به همه‌ی ملت عزیز ایران عید نوروز و سال جدید را که امسال با ماه مبارک رمضان و بهار دلها و بهار معنویت همراه شده است. به طور خاص تبریک عرض میکنم به خانواده‌های اینثارگران و به همه‌ی ملت‌های دیگری که نوروز را گرامی میدارند.

خامنه‌ای به جای یادآوری دردها و اعتراضات مردم از این مسائل یاد کرد: "حادثه‌ی تلخ کرمان در سالگرد شهید سلیمانی، سیل بلوچستان در اواخر سال، حوادثی که برای مأموران امنیت و حافظان امنیت در طول این ماه‌ها اتفاق افتاد، جزو حوادث تلخ بود و تلخ‌تر از همه حادثه‌ی غزه بود که جزو مسائل مهم بین‌المللی ما است، و حادثه‌ای تلخ‌تر از آن امسال ما نداشتیم."

او یادی کرد از شهیدان عزیز و از امام شهیدان. او گفت: حضور حماسی مردم در اجتماعات روز قدس و روز ۲۲ بهمن، برگزاری امن این تظاهرات بزرگ، برگزاری امن و سالم انتخابات آخر سال و حضورهای مردمی دیگر، جزو خبرهای خوش و خواسته‌های شیرین سال گذشته بود.

خامنه ای در انتها چنین گفت: "از خداوند متعال توفیق ملت بزرگ و عزیز ایران را مسئلت میکنم و سلام خاضعانه عرض میکنیم به پیشگاه حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) و از خداوند تعجیل در فرج آن بزرگوار را که فرج بشریت است مسئلت میکنیم

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته"

اما رضاشاه دوم گفت: "سالی که گذشت، سالی بود پُرفراز و نشیب. شاید در آغاز سال، سرکوب جنایتکارانه رژیم، و به بار نشستن فداکاری‌های جاویدنامان خیزش مهسا، برخی از شما را دلسرد کرد. اما با خردمندی و اراده‌ای ملی، پرچم مبارزه را برافراشته نگه داشتید، و در پایان سال، در سیرک انتخابات، شکستی بزرگ را به جمهوری اسلامی و سرکرده‌اش تحمیل کردید، و گامی مهم در راه آزادی میهن برداشتید"

وی در ادامه افزود: "ما چهل و پنج سال است که در شب بلند زمستانی خود به سر می‌بریم. اما امروز حتی پاسداران ضحاک نیز شمیم نور را حس می‌کنند، و طنین گام‌های رهایی ایران، قلب‌های تیره‌شان را هراسناک ساخته است."

رضا شاه دوم پهلوی سوم در پایان گفت: «پیام نوروز برای ما روشن است: شب می‌رود و روز می‌آید. تاریکی می‌گذرد و نور، پردیس ایران را دگرباره روشن خواهد کرد و گرما خواهد بخشید.

نوروزتان پیروز،

پاینده ایران.

رضاشاه روح‌شاد

پاینده ایران

وزارت خارجهی آمریکا و خانوادهی هاشمی رفسنجانی

حسین کاظمی



۸/۱/۲۵۸۳

از ایران

مناسبات دولتمردان آمریکا با هاشمی رفسنجانی تقریباً همپای با تاریخ جمهوری اسلامی می باشد ولی اگر میزان آن را از رخداد تصرف سفارت آمریکا به بعد ببینیم، پیوند آنها علنی تر می شود تا آنجایی که نه تنها نزدیکان رژیم / هاشمی رفسنجانی را آمریکایی می خوانند بلکه جناح او اقدامات شخص سعید حجاریان که از هم پیمانان هاشمی است که تلاش میکند نفوذی های خود را بین اپوزسیون رژیم جا. نمایی کند .

با مرگ رفسنجانی، فرزندان او موضع جداگانه می گیرند؛ پسر بزرگ او به جناح میانه روی حکومت می پیوندد و فائزه هاشمی نقش اپوزسیون داخلی می گیرد و حال می بینیم کسانی که مهره های علنی و پنهان حجاریان هستند فائزه ی هاشمی را پروموت کرده و وزارت خارجه ی آمریکا هم به آنها پیوسته و این پیوند شوم، خبر از دگرگون کردن رویه ی رهبر تراشی نوین می دهد.

رهبر تراشی که حتما باید میهن پرستان خود را آماده ی نبردی بزرگ کنند، چراکه اینبار نه تنها سازمانهای داخلی و جهانی پشت کار هستند بلکه، یک پول پاشی گسترده خواهند داشت.

بنام یکتا گردگار توانا

ششم فروردین زاد روز معلم و پیام اور خرد اشو زرتشت آموزگار بزرگ راستی و نیکی را از بن جان ارج می گذارم و گرامی می دارم. نام و یاد او، نیروبخش دوستداران راستی و نیکوکاران راستین است.

ستودنی ترین مردی که تاریخ آدمی و جهان فرزangi به یاد دارد:

آشو زرتشت اسپنتمان!

این جای پای کیست، بر این بوسه گاه موج؟

تن را به بی کرانه ی دریا سپرده است؟

زرتشت آشو است که از جوی های فکر،

یکجا پریده است و به دریا رسیده است!

خرداد روز فروردین، زاد روز اوست، روزی درخور در خود فرو رفتن و به ارزش های ورجاوند و جاودانه ی او اندیشیدن است! نیکی را، چون آب گوارا، در اندیشه یافتن و چون جویبار خوشنوا بر زبان روان کردن و به یاری دستهای نیکخواه، به کام تشنگان رساندن است.

راستی را که «سه نیکش» آراستن جهان را بسنده است!

کرد آورنده: زهرا صفاریور

سیزده بدر پارک قیطریه... سرود ای ایران دسته جمعی ... با حضور گسترده ماموران امنیتی و هو کردن آنان تا کور شود هر آنکه نتواند دید!





انتخابات اخیر و ترند بازانه جمهوری نامشروع و غیرقانونی اسلامی حاکم بر ایران که شاهد یک نه بزرگ به سران آن از جانب ملت ایران بود، نه تنها واکنش بزرگترین حامی رژیم ملایان را به سبب ترس از گسستن زوال روز افزون این رژیم به همراه داشت که باعث عکس العمل وزارت خارجه دولت بایدن شد و شاید بهترین مهره خود در ایران را که فایزه هاشمی رفسنجانی بود به میدان مبارزاتی فرا خواند که همین عمل حساب نشده، تحریک شدید وطنپرستان ملی گرا را به همراه داشت و در نتیجه بعد از تعریف و تمجیدات اولیه وزارت خارجه حزب دمکرات آمریکا از گزینه خود، مجبور به عقب گرد و پس گرفتن گزینه خود برای جانشینی شیخ علی خامنه ای شد. مسئله اصولی و اساسی برای ایالات متحده نگرانی از وضع ایران و ایرانیان به هیچ وجهی نیست، بلکه در اثر اشتباه محاسباتی جیمی کارتر در سال ۱۳۵۷ اعمال شریطی را برای دیپلماسی خود و ارتش این کشور بعد از خالی کردن زیر پای پادشاه فقید ایران و به قدرت رساندن روح الله خمینی در خاور میانه بوجود آورد که روسیه و چین از این خلع قدرت در منطقه استفاده کرده و نه تنها دیپلماسی خود را در این نقطه از جهان بلکه حتی نیروهای نظامیشان را هم جایگزین منطقه حراست ارتش شاهنشاهی ایران که کمک بلامنازعی برای نیروهای آمریکایی و غرب بود به دلیل خنثی سازی و تیرباران امیران تحصیل کرده و با تجربه و با مهارت ارتش شاهنشاهی ایران کردند.

که نتایج آن در حال حاضر به هیچ وجهی پاسخگوی امتیازات و منافع قبل از فاجعه ضد انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نه تنها نمی تواند باشد بلکه تهدیدات بلقوه ای از جانب رژیم جمهوری اسلامی و متحدانش متوجه نیروهای غربی در شاخاب پارس و دریای عمان و دریای سرخ و نوار غزه و حتی اروپا با همکاری نیروهای نیابتی این رژیم استبدادی می باشد که زنگ خطر یک جنگ جهانی را بارز مایشهای مختلف دریای سه کشور روسیه و چین و رژیم حاکم بر ایران به صدا در آورده است.

ایالات متحده و متحدانش همچنان در این شرایط اقتصادی رنجورشان به هزینه کردن مخارج بسیار بالایی در حراست از شاهراه های حیات اقتصادی تنگه هرمزودریای عمان و دریای سرخ که از اهمیت فوق العاده نظامی و اقتصادی برخوردارند باضعف بسیار ادامه میدهد، ولی هم چنان در اهداف خود بدون صرف مخارج هنگفت نظامی موفق نبوده است و طبیعتاً برای حلی مشکل ایران نسخه ای شبیه سال ۱۳۵۷ بطور کامل مردود است، زیرا که ملایان نشان دادند که به هیچ وجهی درایت و سیاست و روشنفکری و تبحر لازم را در دفاع از منافع جهانی و رستگاری ملت ایران ندارند، بنابراین تنها الترناتیو که طی هزاره هاچه برای ملت ایران و چه برای جهانیان همیشه مفید بوده همان مراجعه به فرهنگ غنی و چند هزار ساله ایرانیان و پادشاهی انست، که بخصوص هم حمایت ایرانیان را دارد و هم فرهنگی صلح جو بوده و هم کوتاهترین و موثرترین و مفیدترین و کم خرج ترین راه بدون خونریزی برای سرنگونی رژیم بیگانه تبار جمهوری اسلامی در ایران و متضمن صلح جهانی و تامین امنیت در منطقه شاخاب پارس و در دریای عمان و سرخ و منطقه خاور میانه خواهد بود.

علی کربلایی
از ایتالیا



اعلامیه

پاینده ایران

در این شاهنشاهی ایران چه قبل از کورش کبیر و چه از هنگامی که کورش بزرگ بر اساس این های دیرین ایرانی، بنیان شاهنشاهی بزرگی را استوار نمود.

فرماندهی نظم شکوهمند ایران که نمودار زنجیرهٔ حیات موجودیت ملت ایران است به عهده شاهنشاه بوده و هست، و این نقش بزرگ و رسالت تاریخی و پاسداری از نظم شکوهمند شاهنشاهی و دفاع از موجودیت و هستی ایرانیان به عهده پادشاه بوده است و درفش آسمانی رنگ که از رنگ شاهنشاهی میباشد به همراه پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان همواره به دست شاهنشاه سپرده شده و راز آن این است تا این دو پرچم بر سینه آسمان ایران در اهتزازند، نظم شاهنشاهی ایران و موجودیت و زندگی و زیست سرافراز ایرانی، ادامه خواهد داشت.

بدین سبب ۴۵ سال است، درفش شاهنشاهی و پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران در دستان توانای پادشاه رضا شاه دوم همچنان در اهتزاز می باشد.

شورای باز پس گیری ایران بنا به باور و اعتقاد به این سیر تاریخی، هرگونه پیشنهادی از سوی فردی یا گروهی که به مواضع قانونی و عرفی و تاریخی رضا شاه دوم بنا به وظیفه و خواست عموم مردم که براندازی است / آسیب رسانده و آنرا به انحراف بکشاند و یا به علل گوناگون اسباب تعلل در مبارزه و نجات کشور فراهم آورند از دستور کار خارج میدانند.

زیرا پادشاه نماد ملی و تاریخی است و در مقام فرماندهی کشور وظیفه حفظ وحدت ملی را عهده دارند و نه در نام رهبر برانداز و جاده صاف کن تا رسیدن به صندوق رای برای تعیین نوع نظام. بلکه این ملت ایرانند که براندازی رژیم غاصب کنونی را عملی میسازند.

پاینده ایران

جاوید شاه

فروردین ۱۳۸۳ شاهنشاهی برابر ۱۴۰۳ خورشیدی

شورای باز پس گیری ایران



برگزاری جشن نوروز در استرالیا

نوروز که به عنوان سال نو ایرانی نیز شناخته می‌شود، جشنی است با قدمت چند صد ساله که توسط میلیون‌ها نفر در سراسر جهان، به‌ویژه در ایران و سایر نقاط آسیای مرکزی جشن گرفته می‌شود.

در حالی که ریشه نوروز از ایران است و بیش از 3000 سال است که در بالکان، حوزه دریای سیاه، قفقاز، آسیای مرکزی، خاورمیانه و سایر مناطق جشن گرفته می‌شود.

این جشن آغازهای جدید است که طبیعت از خواب زمستانی خود بیدار می‌شود، درختان و گل‌ها شکوفا می‌شوند، ما نیز به عنوان انسان با تمیز کردن خانه‌ها و خودمان، با پوشیدن لباس‌های نو و دفن کینه‌ها، با دعوت از مردم به خانه‌هایمان برای جشن گرفتن و با هم شاد باشیم.

زمانی برای شادی، تجدید و تأمل است، زیرا خانواده‌ها و جوامع گرد هم می‌آیند تا از فرا رسیدن بهار استقبال کنند و آغاز سال جدید را رقم بزنند. کلمه «نوروز» در فارسی به «روز نو» ترجمه می‌شود و در اولین روز اعتدال بهاری مشاهده می‌شود که معمولاً در ۲۰ یا ۲۱ مارس رخ می‌دهد.

این جشنواره ریشه‌های باستانی در دین زرتشتی دارد، دینی پیش از اسلام که زمانی به طور گسترده در ایران انجام می‌شد، و از آن زمان به مرور زمان با فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف تطبیق داده شده و ادغام شده است. جشن‌های نوروزی معمولاً چند هفته قبل از تعطیلات واقعی آغاز می‌شود و مردم خانه‌های خود را تمیز می‌کنند، لباس‌های نو می‌خرند و غذاهای سنتی تهیه می‌کنند.

در روز جشن، خانواده‌ها دور سفره‌ای به نام «هفت سین» گرد هم می‌آیند که با هفت چیز نمادین که با حرف فارسی «س» شروع می‌شود، تزئین می‌شود، مانند سیب (سکه). این چیزها مضامینی مانند تولد دوباره، سلامتی و رفاه را نشان می‌دهند. ایرانیان جشن‌های مهمانی برپا می‌کنند و غذاهای سنتی نوروزی را طبخ می‌کنند. رایج‌ترین آن ماهی با سبزی و برنج است.

در طول روز، مردم هدایایی رد و بدل می‌کنند، با دوستان و اقوام دیدار می‌کنند و در فعالیت‌های فرهنگی مانند رقص، آواز و قصه‌گویی شرکت می‌کنند. یکی از مهمترین آداب و رسوم نوروزی، «سیزده بدر» است که شامل گذراندن سیزدهمین روز جشنواره در فضای باز، اغلب در پارک‌ها یا محیط‌های روستایی برای لذت بردن از طبیعت و رها کردن انرژی‌های منفی باقی مانده از سال قبل است.

نوروز نه تنها زمانی برای تأمل شخصی و تجدید حیات است، بلکه جشنی از هویت و تنوع فرهنگی است و به عنوان میراث فرهنگی بشریت سازمان فرهنگی یونسکو آنرا به رسمیت شناخته است و میلیون ها نفر در سراسر جهان بدون توجه به پیشینه و اعتقاداتشان جشن می گیرند. به این ترتیب، به عنوان شاهی بر قدرت پایدار سنت و اهمیت آن در جامعه جهانی عمل می کند.

نوروز ۱۴۰۳ شمسی بصورت بسیار با شکوهی در استرالیا برگزار شد. در شهر های بزرگ سیدنی، ملبورن، ادیلید، پرت و بریزبن برای اولین بار هزاران ایرانیان دور هم جمع شدند و این میراث گرانبهای نیاکانمان را جشن گرفتند. مهمترین نکته برجسته برگزاری این سنت دیرینه در دانشگاه های استرالیا بوسیله ایرانیان جوانی که در ایران متولد نشدند ولی این وابستگی و غرور ملی و عرق ملی ایرانی را در خود دارند و افتخار میکنند که دارای چنین فرهنگ باشکویی هستند. جشن های چهارشنبه سوری امسال با رقص و شادی و پایکوبی بینظیری در استرالیا با حضور هزاران خانواده برگزار شد و ارزوی همگان این بود که سال آینده در ایران خانه پدری این جشن ها را رابرجزار کنند.

دکتر هوشنگ لاهوتی

۱۴ فروردین ۱۳۰۴

گفتگوی بانو زهرا صفارپور و دکتر سعید حمزوی - ۱۳ فروردین ۱۴۰۳



پاینده ایران!